

تقرير دفتر استاد سيد كاظم مصطفى «زيد عزه العالي» از درس خارج فقه
استاد سيد كاظم مصطفى؛ 1399/11/13



موضوع: احكام اموات/نماز ميت /وجوب نماز بر مسلمان ظاهري

از بحث طهارت خارج شدیم و رسیدیم به بحث نماز ميت که نماز ميت در حقيقت پل ارتباطی بين کتاب طهارت و کتاب صلاة است. سيد يزدي طباطبائی می فرمايد:

فصل في الصلاة على الميت

يجب الصلاة على كل مسلم من غير فرق بين العادل و الفاسق و الشهيد و غيرهم حتى المرتكب للكبائر بل و لو قتل نفسه عمدا- و لا يجوز على الكافر بأقسامه حتى المرتد فطريا- أو مليا مات بلا توبة و لا تجب على أطفال المسلمين إلا إذا بلغوا ست سنين.^[1]

اقسام كافر: مشرك، اهل كتاب، مرتد فطري و ملي.

شيخ طوسي در كتاب نهايه، می فرمايد: «الصلاة على الاموات فريضة. وفرضه على الكفاية، إذا قام به البعض، سقط عن الباقيين. ولا يختلف الحكم في ذلك، سواء كان الميت رجلا أو امرأة، حرا أو عبدا، اذا كان له ست سنين فصاعدا، وكان على ظاهر الاسلام. فإن نقص سنه عن ست سنين، لم تجب الصلاة عليه، بل يصلى عليه استحبابا وتقية.^[2]»

محقق حلي در كتاب شرايع می فرمايد: «من يصلي عليه: وهو كل من كان مظهرا

لشهادتین، أو طفلاً. له ست سنين ممن له حكم الإسلام ويتساوى: في ذلك الذكر والأنثى، والحر والعبد. ويستحب الصلاة على من لم يبلغ ذلك إذا ولد حياً، فإن وقع سقطاً لم يصل عليه ولو ولجته الروح. [3]»

محقق حلی در کتاب معتبر، می‌فرماید: «تجب الصلاة على كل مسلم و من بحكمه ممن بلغ ست سنين فصاعداً و يستوي الذكر و الأنثى، و الحر و العبد، و لفظ الإسلام يطلق على كل مظهر للشهادتين ما لم يعتقد خلاف ما يعلم من الدين ضرورة [4]» کسی که شهادین می‌گوید ولی منکر ضروری دین می‌شود؛ مثلاً می‌گوید روزه واجب نیست، این شخص کافر است «فخرج من هذه: القادحون في علي (عليه السلام)، أو أحد الأئمة (عليهم السلام)، كالخوارج، و من غلا فيه، أو في غيره، كالبصرية، و السبائية، و الخطابية [5]»

انکار ضروری باید طوری باشد که ثابت باشد و ذهنی نباشد؛ مثلاً در جمع یا پیش قاضی یا فرد مؤمنی که حرف قابل قبول است روزه را انکار کند.

در این رابطه که نماز بر هر مسلمانی خوانده می‌شود، حدیثی از پیامبر (ص) آمده که عمومیت دارد: «صلوا على كل بر و فاجر و لأن الملائكة صلت على آدم (عليه السلام) و قالت لولده «هذه سنة موتاكم [6]»

هم چنین روایات ذیل نیز عمومیت دارند: «إن آدم اشتكى - إلى أن قال : - (فلما قبضه الله) فغسلته الملائكة ثم وضع وأمر هبة الله أن يتقدم ويصلي عليه فتقدم وصلى عليه ، والملائكة خلفه ، وأوحى الله إليه أن يكبر خمساً وأن يسله ويسوي قبره ، ثم قال : هكذا فاصنعوا بموتاكم [7]»

« قال رسول الله (صلى الله عليه وآله) : صلّوا على المرجوم من أمّتي ، وعلى القتال نفسه من أمّتي ، لا تدعوا أحداً من أمّتي بلا صلاة . [8]»

چیزی که در متن عروه آمده اطلاق دارد و برای مؤمن و مخالف است. در اینجا اختلافی شده بین فقها که گفته می‌شود جمعی از قدمای اصحاب فرموده اند که نماز میت اختصاص دارد به مؤمن و بر غیر او جا ندارد و آنان را در واقع از اسلام خارج می‌دانند؛ متأسفانه بعضی از فقها این مطلب را تأیید کرده اند که نسبت به مخالف نماز لازم نیست. نسبت داده شده به ابن ادریس و برخی دیگر که نماز جنازه به مؤمن اختصاص دارد. فاضل هندی در کشف اللثام، ج 2، ص 309 استدلال ابن ادریس را نقل نموده که مخالف حق مطلقاً کافر است.

بحث در این است که آیا مسلمان کسی است که مظهر شهادتین باشد یا این که باید فرد از لحاظ اعتقاد به ولایت امیر المؤمنین (ع) هم معتقد باشد؟

سید الحکم در کتاب مستمسک ج 2، 210 شرح بیشتری نسبت به این روایت داده: برای هر مسلمانی که اهل قبله باشد و شهادتین را بر زبان جاری نماید، نماز جنازه واجب است و فرمایش بعضی از قدمای توجیه دارد. اطلاقاتی هم داریم که شامل و کامل است و تمامی افراد مسلمان را تحت پوشش قرار می‌دهد اعم از این که از پیروان اهل بیت باشد یا از

پيروان مكتب خلفا.

روايت اول از امام صادق (ع) است كه مي‌فرمايد: «صَلِّ عَلَى مَنْ مَاتَ مِنْ أَهْلِ الْقَبْلَةِ وَحَسَابَهُ عَلَى اللَّهِ [9]» و روايت دوم خبر غزوان سكونی كه از پیامبر (ص) چنین نقل شده: «صَلُّوا عَلَى الْمَرْجُومِ مِنْ أُمَّتِي، وَعَلَى الْقَتْلِ نَفْسَهُ مِنْ أُمَّتِي، لَا تَدْعُوا أَحَدًا مِنْ أُمَّتِي بِلَا صَلَاةٍ [10]» سيد الحكيم از ضعف سند جواب می‌دهد كه ضعف اين دو حديث، منجر به عمل اصحاب است.

در روايت اول (روايت طلحة بن زيد) راويان همه معتبر اند مگر خود طلحه كه شيخ در كتاب فهرست گفته كتاب طلحه كتاب معتمدی است كه گویا يك امتياز و تأيیدی بر طلحه است. علاوه بر اين كه صفوان از او روايت نقل کرده و طلحه مروی عنه اوست و برای اعتبار طلحه می‌تواند كافی باشد. در اين سند حسن بن محبوب هم هست كه از اصحاب اجماع می‌باشد. پس با توجه به اين خصوصيات، اين سند درست است و دلالتش هم كامل است كه بر اظهار كننده شهادتين، بايد نماز خواند.

بعضی از فقها كه گفته اند نماز بر مخالف جا ندارد، وجهش اين است كه بنا بر كفر غير مؤمن دارند و کسی كه اعتقاد به ولايت ندارد، كافر است.

پس با توجه به عمومات و اقوال فقهاء، اظهار كننده شهادتين نماز دارد و علاوه بر اين عمومات روايات ديگری هم داريم.

[1] العروة الوثقى، الطباطبائي اليزدي، السيد محمد كاظم، ج 1، ص 322.

[2] النهاية، الشيخ الطوسي، ج 1، ص 143.

[3] شرائع الاسلام- ط استقلال، المحقق الحلي، ج 1، ص 80.

[4]المعتبر في شرح المختصر، المحقق الحلي، ج 2، ص 343.

[5]المعتبر في شرح المختصر، المحقق الحلي، ج 2، ص 343.

[6]المعتبر في شرح المختصر، المحقق الحلي، ج 2، ص 344.

[7] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج 3، ص 79، أبواب صلاة الجنازة، باب 5، ح 22، ط آل البيت.

[8] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج 3، ص 133، أبواب صلاة الجنازة، باب 37، ح 3، ط آل البيت.

[9] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج 3، ص 133، أبواب صلاة الجنازة، باب 37، ح 2، ط آل البيت.

[10] وسائل الشيعة، الشيخ الحر العاملي، ج 3، ص 133، أبواب صلاة الجنازة، باب 37، ح 3، ط آل البيت.